

بررسی روند پیشرفت تحصیلی دانشجویان ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه رازی و عوامل مؤثر بر آن

شهرزاد بارانی، فاطمه درویشی و امیر اعظمی*
کیومرث زرافشانی**

چکیده

هدف این پژوهش با روش توصیفی - همبستگی، بررسی روند پیشرفت تحصیلی دانشجویان ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه رازی و عوامل مؤثر بر آن است. پژوهش در دو بخش صورت گرفته است: در بخش اول، با کمک آمار موجود و شاخص‌های معدل کل و معدل ترم، روند پیشرفت تحصیلی دانشجویان از سال ۸۲ تا ۸۴ بررسی شد (N= ۱۵۹). این روند، به طور کلی در تمامی دوره‌های روزانه و شبانه ورودی‌های مختلف، بیانگر روندی افزایشی بود. مقایسه بین پیشرفت تحصیلی دانشجویان روزانه و شبانه در هر ورودی نشان داد که به جزء ورودی ۸۲ در سایر ورودی‌ها این تفاوت از لحاظ آماری معنی‌دار است، اما مقایسه پیشرفت تحصیلی بین ورودی‌های مختلف تفاوت معنی‌داری نشان نداد. در بخش دوم تحقیق با جامعه آماری ۱۰۷ نفر دانشجوی دوره روزانه و شبانه ورودی ۸۴ و ۸۵ رشته ترویج و آموزش کشاورزی، عوامل مؤثر بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان شناسایی شد. داده‌های مورد نظر از طریق پرسشنامه با روایی مطلوب از نظر متخصصان و پایایی مناسب ($\alpha=0/65$) در قالب سرشماری جمع‌آوری شد. نتایج حاصل از آزمون رگرسیون چندگانه به روش گام به گام نشان داد که ۷۶ درصد از تغییرات متغیر پیشرفت تحصیلی (معدل) را ده متغیر شامل: محل نشستن در کلاس، وضعیت اقتصادی خانواده، اضطراب امتحان، خاستگاه سکونت، انگیزه و علاقه، باور به خودکارآمدی، جمعیت خانواده، میزان ملاقات با استاد راهنما (مشاوره)، آینده شغلی و میزان تحصیلات والدین تبیین می‌کنند. با توجه به نتایج، چیدمان کلاس‌ها به صورت کنفرانسی، اتخاذ سیاست‌های افزایش جذب و پذیرش دانشجویان بومی در دانشگاه‌ها، برقراری فرصت‌های بیشتر استادان راهنما برای ملاقات با دانشجویان و در نهایت بهره‌گیری از الگوی یادگیری تجربی در آموزش پیشنهاد شد.

واژگان کلیدی: روند پیشرفت تحصیلی، عوامل مؤثر، ترویج و آموزش کشاورزی، محل نشستن در کلاس، رگرسیون

* دانشجویان کارشناسی ارشد ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه رازی کرمانشاه.

(مسئول مکاتبات: barani705@yahoo.com)

** عضو هیئت علمی دانشکده کشاورزی و مرکز پژوهشی مطالعات اقتصادی - اجتماعی دانشگاه رازی.

مقدمه

رشد و توسعه هر جامعه متأثر از نیروی آموزش دیده آن جامعه است؛ بنابراین، دستیابی به بهره‌وری و بهبود کیفیت نظام آموزشی را می‌توان اثرگذارترین عامل در توسعه کشورها دانست (صفدری ده چشمه و همکاران، ۱۳۸۳). تربیت نیروی انسانی نوعی سرمایه‌گذاری محسوب می‌شود و کشورها به ویژه کشورهای در حال توسعه، بیش از پیش دریافته‌اند که باید به تکمیل کیفیت سرمایه انسانی خود پردازند. اگر بپذیریم که نیروی انسانی کارآمد و ماهر مهم‌ترین عامل موفقیت در تحقق اهداف گوناگون یک کشور است، یکی از راه‌های مطمئن افزایش بهره‌وری و کارآمدی افراد، آموزش مؤثر و سازنده آنهاست. در این خصوص، زمینه‌ساز اصلی برای دستیابی به توسعه پایدار در ابتدا آموزش و پرورش هر کشور و در مرحله بعد آموزش عالی آن کشور است (فرج‌اللهی و فیروزفر، ۱۳۸۶).

دانشجویان هر جامعه به عنوان قشر روشنفکر و کارآمد و آینده‌سازان هر کشور، گروهی هستند که بخش عمده برنامه‌ریزی و بودجه هر کشور را به خود اختصاص می‌دهند. آنان از هوشمندترین و مستعدترین اقشار جامعه هستند (حیدری و کوشان، ۱۳۸۱)؛ بنابراین، شناسایی فاکتورهای مؤثر در پیشرفت تحصیلی دانشجویان و توجه به آنان، گامی به سوی توسعه پایدار است (صفدری ده چشمه و همکاران، ۱۳۸۳).

پیشرفت تحصیلی از جمله مسائلی است که در بسیاری از مطالعات روان‌شناسی، مورد توجه قرار می‌گیرد. در روان‌شناسی، موفقیت به پاسخ یا عملی گفته می‌شود که طی آن شخص به هدف برسد، یا موفقیت یک گام قطعی است که به سمت هدف برداشته می‌شود، ولی در تعلیم و تربیت و در موقعیت‌های تحصیلی، موفقیت به درجه‌ای از کارایی اطلاق می‌شود که فرد به فراخور توانایی‌هایش در پیشرفت‌های خود به رضایت شایسته می‌رسد (زمانی و امیری اردکانی، ۱۳۸۲). پیشرفت تحصیلی به معنای مقدار یادگیری آموزشی فرد است (سلیمان نژاد و شهرآرای، ۱۳۸۰) و می‌توان آن را در مقوله‌های مختلفی از جمله، اجتماعی، اقتصادی، خانوادگی و غیره، مورد مطالعه قرار داد. پیشرفت تحصیلی دانشجویان، در کسب موفقیت‌های آتی آنان از اهمیت بسزایی برخوردار است و عدم توجه به این مقوله اساسی و به تبع آن افت تحصیلی، موجب کاهش سطح علمی و کارایی دانشجویان در جامعه کنونی خواهد شد. همچنین، شکست تحصیلی، علاوه بر مشکلاتی که برای فرد دانشجو و خانواده وی ایجاد می‌کند، خسارات فراوانی را نیز برای جامعه در پی خواهد داشت؛ چرا که باعث به هدر رفتن میزان قابل توجهی از امکانات، منابع و استعدادها بالقوه انسانی و اقتصادی می‌شود و اثرات غیر قابل جبرانی را در ابعاد فردی و اجتماعی بر جای می‌گذارد (منیری و همکاران، ۱۳۸۵).

اهمیت تأثیر پیشرفت تحصیلی در سلامت روانی دانشجویان به حدی است که برخی از متخصصان آن را حداقل تا نیمه دوم دوره نوجوانی، معیار اساسی برای تشخیص عملکرد سالم و سلامت روانی دانسته‌اند. هنگامی که محیط آموزشی زمینه‌های مناسب را برای پیشرفت تحصیلی فراهم کند و همین تجارب موفقیت‌آمیز در سال‌های تحصیلی بعدی نیز تکرار شود، نوعی مصونیت در برابر بیماری‌های روانی برای مدتی نامحدود در فرد ایجاد می‌شود. چنین فردی قادر خواهد بود که به راحتی بر فشارها و بحران‌های زندگی غلبه کند.

عوامل متعددی از جمله: عوامل اقتصادی، اجتماعی، فردی، خانوادگی و آموزشی، در پیشرفت تحصیلی مؤثرند، اما متأسفانه چندان که باید مورد توجه قرار نمی‌گیرند. مهم‌تر اینکه در این میان، عوامل پنهانی نیز دخیل هستند، که به طور غیر مستقیم، بر موفقیت یا عدم موفقیت تحصیلی فرد تأثیر می‌گذارند. عواملی چون شغل والدین، وضعیت اقتصادی خانواده، اضطراب امتحان، انگیزه و علاقه، استعداد و توانایی‌های فردی و غیره بر پیشرفت تحصیلی مؤثر هستند، اما نکته جالب اینجاست که در پژوهش حاضر، «محل نشستن در کلاس» به عنوان یک عامل مؤثر بر پیشرفت تحصیلی شناخته شد، عاملی که تاکنون در مطالعات انجام شده قبلی، به آن توجه چندانی نشده است. نه تنها این عامل، بلکه عوامل دیگری نیز هستند که متأسفانه آن‌چنان که باید به آنها توجه کافی نشده است؛ چرا که معمولاً محققان در پژوهش‌های خود، تنها اثر یک عامل را بر موفقیت تحصیلی مورد بررسی قرار می‌دهند، اما باید اذعان داشت که پرداختن به تمام این عوامل، عملاً کاری بس دشوار است، اما به رغم دشوار بودن، نباید نادیده انگاشته شود؛ زیرا، آینده یک جامعه، منوط به داشتن افرادی موفق و کارآمد است که توان پیشبرد اهداف جامعه را دارا باشند؛ بنابراین، موفقیت در تحصیل، از مهم‌ترین عوامل انگیزشی برای برداشتن گام‌های بلندتری به سوی موفقیت‌های یک کشور خواهد بود.

بدین ترتیب، با توجه به آنچه که بیان شد، دانشجویان، استادان، برنامه‌ریزان آموزشی، دانشگاه‌ها و نظام آموزشی لازم است به عوامل مؤثر بر پیشرفت تحصیلی اهتمام ورزند و برنامه‌ریزی‌های مناسبی برای پیشبرد اهداف آموزشی انجام دهند، و زمینه را برای موفقیت هر چه بیشتر دانشجویان فراهم آورند. بنابراین، توجه به عوامل مؤثر بر پیشرفت تحصیلی بسیار ضروری است؛ چرا که موفقیت و پیشرفت دانشجویان در امر تحصیل، علاوه بر پیامدهای اجتماعی و اقتصادی که دارد، خود، عامل بالا رفتن اعتبار دانشگاهی است و دانشجویان موفق را تربیت می‌کند و نظام آموزشی که بتواند نیروی تحصیل‌کرده، موفق و کارآمد را وارد جامعه کند، نظامی موفق و کارا خواهد بود.

پیشینه تحقیق

تاکنون مطالعات وسیعی در زمینه بررسی عوامل مؤثر بر پیشرفت تحصیلی صورت گرفته و نتایج به دست آمده از اکثر قریب به اتفاق این تحقیقات، حاکی از آن است که عوامل متعددی در حیطه‌های مختلف شخصیتی، خانوادگی، محیطی، آموزشی و غیره، می‌توانند پیشرفت تحصیلی را تحت تأثیر خود قرار دهند. در ایران، مطالعات پراکنده‌ای در زمینه بررسی ارتباط و تأثیر این عوامل بر روی پیشرفت تحصیلی انجام گرفته که در اکثر آنها سعی شده است که تأثیر هر کدام از عوامل را به صورت مجزا، در قالب یک تحقیق مورد بررسی قرار دهند، اما در تحقیق حاضر، بیشتر سعی بر آن شد که تأثیر و ارتباط تمام عوامل، از حیطه‌ها و ابعاد مختلف بر پیشرفت تحصیلی مورد تحقیق و بررسی قرار داده شود.

از جمله مطالعات مرتبط با پیشرفت تحصیلی، می‌توان به پژوهش سازمان یونسکو (۱۹۹۲) اشاره کرد. این سازمان، طرح تحقیقی با هدف عوامل مؤثر بر پیشرفت تحصیلی اجراء کرد. نتایج این مطالعه نشان داد که عواملی چون: محیط آموزشی، ویژگی‌های مدرس، ویژگی‌های فراگیر و خانواده در پیشرفت تحصیلی تأثیر دارد که هر یک از این عوامل چهارگانه، تابع شرایط اجتماعی و فرهنگی جامعه است.

اغلب محققانی که اقدام به بررسی رابطه انگیزش و پیشرفت تحصیلی کرده‌اند به این نتیجه رسیده‌اند که عوامل انگیزشی به خصوص خودکفایتی، خودکارآمدی، اضطراب، منع کنترل درونی، عزت نفس و خویشن‌پنداری، رابطه معناداری با پیشرفت تحصیلی دارند (پاشا شریفی، ۱۳۸۰؛ البرزی و سیف، ۱۳۸۱؛ حسن‌زاده، ۱۳۸۱؛ بیابانگرد، ۱۳۸۱؛ ولی‌زاده و همکاران، ۱۳۸۶؛ مک‌کامبز، ۱۹۹۰؛ ربتا، ۱۹۹۹).

عابدی و عریضی (۱۳۸۱)، در مطالعه‌ای تحت عنوان «بررسی رابطه پیشرفت تحصیلی با ویژگی‌های شخصیتی و خانوادگی فراگیران» به این نتیجه رسیدند که متغیرهای شخصیتی، خانوادگی، مدرسه‌ای و اجتماعی، هوش، مهارت و عزت نفس، اضطراب عمومی، سطح آرزومندی، اسنادهای سببی، خوداثربخشی و یادگیری خودگردان با پیشرفت تحصیلی ارتباط معناداری دارند.

بسیاری از محققان نیز در صدد بررسی نقش عوامل آموزشی بر پیشرفت تحصیلی برآمده‌اند که نتایج حاصل از مطالعات آنها نشان‌دهنده وجود یک رابطه معنادار و مثبت بین عواملی مانند امکانات آموزشی، ازدحام و تراکم دانشجویان و دانش‌آموزان در کلاس، سابقه آموزشی معلمان، کیفیت آموزش، میزان همکاری دانش‌آموختگان با تشکل‌ها و انجمن‌های دانشجویی، میزان ارتباط دانشجویان با استادان و مشاوران و میزان رضایت‌مندی دانش‌آموختگان از اعضای هیئت علمی و در کل میزان رضایت‌مندی از مؤسسه آموزشی با پیشرفت تحصیلی است (ادهمی و همکاران، ۱۳۸۱؛ زمانی و امیری اردکانی، ۱۳۸۲؛ معین پور، ۱۳۸۲؛ فاضلی، ۱۳۸۳).

یکی از مهم‌ترین فاکتورهای آموزشی که نقش بسزایی در پیشرفت و موفقیت تحصیلی فراگیران دارد و نمی‌توان تأثیر آن را نادیده گرفت، مشاوره تحصیلی است که از جمله مطالعات انجام‌شده در این زمینه می‌توان به تحقیق کنت و راجرز (۲۰۰۲) اشاره کرد که در این پژوهش، محققان به بررسی چگونگی حل مسائل آموزشی با استفاده از خدمات مشاوره در تعدادی از دانشگاه‌های امریکا پرداخته‌اند و یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که مشاوره تحصیلی تأثیر مهمی در کسب و ارتقای خودپنداری مثبت، افزایش مهارت‌های اجتماعی و در نهایت پیشرفت تحصیلی دانشجویان دارد.

در این میان، تحقیقات مشابهی نیز در زمینه بررسی رابطه عوامل خانوادگی نسبت به تحصیل، درگیری والدین در امر تحصیل، تعداد اعضای خانواده، شغل والدین، طبقه اجتماعی و درآمد خانواده با پیشرفت تحصیلی صورت گرفته است که نتایج اغلب این مطالعات حاکی از آن است که رابطه معناداری بین این عوامل با پیشرفت تحصیلی وجود دارد که هرچه تعداد اعضای خانواده کمتر، درگیری والدین نسبت به تحصیل بیشتر، و طبقه اجتماعی و درآمد خانواده بالاتر باشد، پیشرفت تحصیلی فراگیران نیز بیشتر خواهد بود (خیر، ۱۳۷۶؛ حجازی و امیدی نجف آبادی، ۱۳۸۲؛ لواسانی و همکاران، ۱۳۸۲).

در زمینه شرایط اقتصادی بر پیشرفت تحصیلی و ارتباط این دو می‌توان به مطالعه بیگس (۱۹۹۱)، تحت عنوان «تأثیر مسائل خانوادگی بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان» اشاره کرد که ایشان در تحقیق خود به رابطه معنادار و مثبت بین درآمد خانواده و پیشرفت تحصیلی پی برده است و اشاره می‌کند که هرچه درآمد خانواده بیشتر شود، معدل دانشجویان نیز بیشتر خواهد بود.

رحمانی (۱۳۸۶)، از جمله کسانی است که در زمینه عوامل مرتبط با پیشرفت تحصیلی تحقیقاتی را انجام داده است. یافته‌های تحقیقات وی حاکی از این است که پیشرفت و موفقیت تحصیلی به عوامل متفاوتی از جمله هوش فرد، کمیت و کیفیت یادگیری‌های قبلی او، کیفیت آموزش، عوامل مربوط به خانواده و میزان تمرین و مرور درس‌ها و در نهایت نگرش فرد بستگی دارد.

صفدری ده چشمه و همکاران (۱۳۸۶) و حجازی و همکاران (۱۳۸۲)، طی انجام تحقیقاتی به وجود ارتباط مثبت بین متغیرهای جنسیت، معدل قبلی، برنامه‌ریزی تحصیلی، رشته تحصیلی و ساعات مطالعه با پیشرفت تحصیلی پی بردند. از دیگر مواردی که شاهد انجام مطالعاتی در خصوص تأثیر آن بر پیشرفت تحصیلی بوده‌ایم، بومی و غیربومی بودن دانشجویان است که در بسیاری از تحقیقات نظیر تحقیق حاضر به وجود رابطه معنادار و مثبت بین بومی و غیربومی بودن با پیشرفت تحصیلی پی برده

شد؛ یعنی این عامل می‌تواند تأثیر خاصی بر پیشرفت تحصیلی داشته باشد (ساعی، ۱۳۷۷؛ زند، ۱۳۸۵).

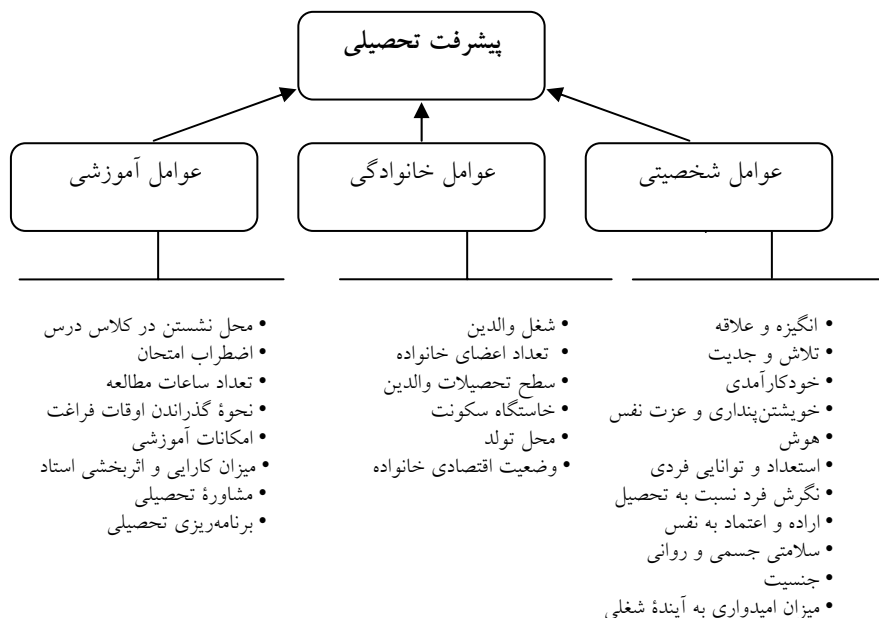
از دیگر فاکتورهای مؤثر بر پیشرفت تحصیلی که مطالعات کمی در خصوص آن صورت گرفته است، می‌توان به موقعیت فرد در کلاس اشاره کرد. یکی از جدیدترین تحقیقات مهم در این زمینه، مطالعه گوسارد و همکاران (۲۰۰۶)، است. بر اساس نتایج مطالعه ایشان، محل نشستن در کلاس به طور مؤثری بر پیشرفت دانش‌آموزان و دانشجویان تأثیر می‌گذارد، به طوری که دانش‌آموزانی که در عقب کلاس می‌نشینند، پایین‌ترین پیشرفت تحصیلی را نسبت به آنانی که در جلو یا وسط کلاس می‌نشینند داشته‌اند. همچنین در تحقیق دیگری، هاگ و بندیکت (۲۰۰۴)، طی انجام مطالعه‌ای در همین زمینه به این نتیجه رسیدند که محل نشستن افراد در کلاس با پیشرفت تحصیلی آنان رابطه معناداری دارد و چنانچه دانشجویانی که در عقب کلاس می‌نشینند جای خود را به جلو یا وسط کلاس تغییر دهند، نمرات آنان و در کل، پیشرفت تحصیلی آنان بهبود خواهد یافت.

با توجه به بررسی‌های به عمل آمده در خصوص سوابق موضوع، می‌توان اذعان داشت، پژوهش‌هایی که تاکنون در زمینه عوامل مؤثر بر پیشرفت تحصیلی در کشور ایران انجام گرفته است، بیشتر بر اهمیت ویژگی‌های شخصیتی، خانوادگی و محیطی پرداخته‌اند، در صورتی که در این پژوهش، عوامل مهم دیگری از جمله محل نشستن در کلاس درس و امیدواری به آینده شغلی به عنوان عوامل تأثیرگذار در پیشرفت تحصیلی مورد تأکید قرار گرفته است. بدین‌سان، شاید بتوان ادعا کرد که پژوهش حاضر، مطالعه پیشرفت تحصیلی را در کشورمان ایران، یک گام به جلو هدایت خواهد کرد. همچنین حسن اصلی این پژوهش بر این است که علاوه بر تعیین عوامل مؤثر و مرتبط بر پیشرفت تحصیلی به عنوان یک مقوله اساسی، روند این پیشرفت نیز در دانشجویان مورد مطالعه قرار می‌گیرد؛ در حالی که در بیشتر پژوهش‌های پیشین به یکی از این دو مقوله پرداخته شده است.

مطابق مطالب فوق، هدف کلی این تحقیق، بررسی روند پیشرفت تحصیلی دانشجویان ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه رازی کرمانشاه و عوامل مؤثر بر آن است. اهداف اختصاصی این تحقیق عبارت‌اند از:

۱. مقایسه پیشرفت تحصیلی دانشجویان دوره‌های روزانه و شبانه ورودی ۸۲،
۲. مقایسه پیشرفت تحصیلی دانشجویان دوره‌های روزانه و شبانه ورودی ۸۳،
۳. مقایسه پیشرفت تحصیلی دانشجویان دوره‌های روزانه و شبانه ورودی ۸۴،
۴. مقایسه پیشرفت تحصیلی دانشجویان ورودی‌های ۸۲، ۸۳ و ۸۴،
۵. تعیین عوامل مرتبط و مؤثر بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه رازی.

در نهایت، عوامل مؤثر بر پیشرفت تحصیلی که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است، در قالب چارچوب مفهومی ذیل ارائه می‌شود:



روش تحقیق

این تحقیق از نظر ماهیت، از نوع پژوهش‌های کمی؛ از نظر میزان کنترل متغیرها از نوع غیرآزمایشی؛ از نظر هدف، از زمره تحقیقات کاربردی و از جهت روش، توصیفی - همبستگی است.

پژوهش حاضر در دو بخش صورت گرفت: در بخش اول، روند پیشرفت تحصیلی دانشجویان رشته ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه رازی کرمانشاه از سال ۸۲ تا ۸۴ بررسی شد. بدین منظور، از معدل کل و معدل ترم که از طریق بررسی پرونده‌های دانشجویان موجود در اداره خدمات آموزشی دانشکده کشاورزی به دست آمد، به عنوان شاخص‌های پیشرفت تحصیلی بهره گرفته شد. اطلاعات به دست آمده با نرم‌افزار SPSS و استفاده از آزمون‌های t مستقل و آنالیز واریانس تجزیه و تحلیل شد.

در بخش دوم تحقیق، به منظور بررسی عوامل مؤثر بر پیشرفت تحصیلی، ابتدا مبانی نظری موضوع با توجه به منابع و مراجع مربوطه مورد بررسی قرار گرفت. سپس با در نظر گرفتن نتایج مطالعات، پرسشنامه‌ای به عنوان ابزار جمع‌آوری

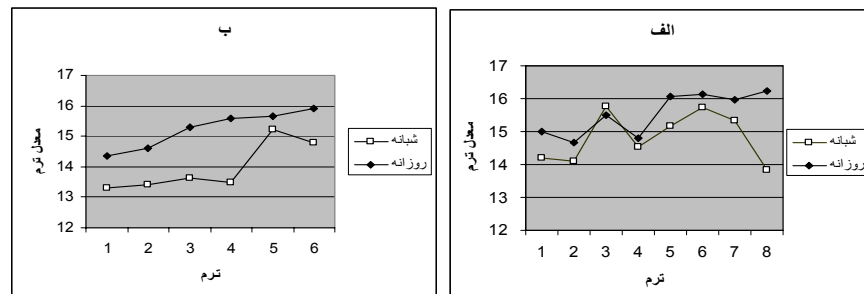
اطلاعات میدانی تحقیق تهیه شد. برای تعیین روایی پرسشنامه از پانل متخصصان استفاده شد و به منظور تعیین پایایی ابزار نیز تعداد ۳۰ پرسشنامه از سوی دانشجویان دانشکده کشاورزی دانشگاه رازی تکمیل و آلفای کرونباخ آن محاسبه شد ($\alpha=0/65$) که برای تحقیق حاضر ضریب پایایی مناسبی بود. جامعه آماری را کلیه دانشجویان دوره روزانه و شبانه ورودی ۸۴ و ۸۵ رشته ترویج و آموزش کشاورزی دانشکده کشاورزی دانشگاه رازی، شامل ۱۰۷ نفر از دانشجویان در مقطع کارشناسی تشکیل دادند که در مجموع ۱۰۷ نفر به پرسشنامه‌ها پاسخ دادند (نرخ پاسخ ۱۰۰ درصد). به منظور تحلیل داده‌ها از نرم افزار SPSS، آماره‌هایی شامل: میانگین، درصد و فراوانی، و آزمون تحلیل رگرسیون چندگانه به روش گام به گام استفاده شد.

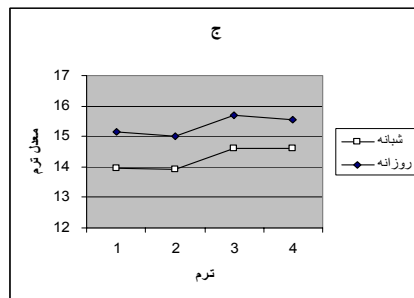
یافته‌ها

۱. بررسی چگونگی روند پیشرفت تحصیلی دانشجویان ترویج دانشکده کشاورزی دانشگاه رازی کرمانشاه

به منظور بررسی روند پیشرفت تحصیلی دانشجویان ترویج از معدل کل و معدل ترم (به عنوان شاخص‌های پیشرفت تحصیلی) سه ورودی ۸۲، ۸۳ و ۸۴ شامل ۱۵۹ دانشجو بهره گرفته شد.

شکل (۱)، نشان‌دهنده روند پیشرفت تحصیلی دانشجویان ترویج و تفاوت بین معدل ترم دوره‌های روزانه و شبانه ورودی‌های متفاوت است.





شکل (۱) تفاوت بین معدل ترم دوره‌های روزانه و شبانه ورودی‌های متفاوت (الف) ورودی ۸۲، (ب) ورودی ۸۳، (ج) ورودی ۸۴

مطابق شکل (۱)، روند افزایشی را در پیشرفت تحصیلی دانشجویان ورودی‌های متفاوت می‌توان استنباط کرد؛ به طوری که، معدل ترم در ورودی ۸۲ در هشت ترم سپری شده مساوی نبوده و از ترم اول تا ترم هشتم روند افزایشی را طی کرده است. در سایر ورودی‌ها نیز همین روند تکرار می‌شود. به منظور مقایسه بین دوره‌های روزانه و شبانه در هر ورودی از آزمون t - استیودنت استفاده شد. نتایج حاصل در جدول (۱) آمده است:

جدول (۱) مقایسه بین دوره‌های روزانه و شبانه در ورودی‌های متفاوت

متغیر	میانگین	انحراف معیار	t	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
ورودی ۸۲	۱۵/۱۸	۰/۵۰	۲/۰۳	۱۴	۰/۰۶۱
روزانه	۱۵/۵۵	۰/۶۴			
شبانه	۱۴/۸۳	۰/۷۶			
ورودی ۸۳	۱۴/۶۱	۰/۹۰	۳/۰۴	۱۰	۰/۰۱۲
روزانه	۱۵/۲۵	۰/۶۲			
شبانه	۱۳/۹۷	۰/۸۲			
ورودی ۸۴	۱۴/۸۰	۰/۷۶	۴/۲۷	۶	۰/۰۰۵
روزانه	۱۵/۳۵	۰/۳۲			
شبانه	۱۴/۲۷	۰/۳۹			

بر اساس جدول (۱)، می‌توان چنین استنباط کرد که، اگر چه میانگین دوره روزانه بیشتر از دوره شبانه ورودی ۸۲ است ولی این اختلاف از نظر آماری معنی‌دار نیست ($p=۰/۰۶۱$)، اما، با احتمال ۹۵ درصد بین میانگین دوره‌های روزانه و شبانه ورودی ۸۳ از لحاظ آماری تفاوت معنی‌داری وجود دارد ($p=۰/۰۱۲$). مقایسه دو میانگین بیانگر

این است که میانگین دوره روزانه ($M=15/25$) به طور معنی‌داری بیشتر از میانگین دوره شبانه ($M=13/97$) است. با احتمال ۹۹ درصد نیز بین دوره‌های روزانه و شبانه ورودی ۸۴ از نظر آماری تفاوت معنی‌داری وجود دارد ($p=0/005$)؛ بنابراین، دوره روزانه ۸۴ دارای میانگین بالاتری نسبت به دوره شبانه است.

برای سنجش تفاوت بین میانگین ورودی‌های مختلف (روزانه و شبانه توأم) از آزمون ANOVA استفاده شد. خلاصه نتایج در جدول (۲) ارائه شده است:

جدول (۲) خلاصه نتایج تحلیل واریانس تفاوت بین میانگین ورودی‌های مختلف رشته ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه رازی کرمانشاه

معنی‌داری	F	میانگین مجذورات	درجه آزادی	مجموع مجذورات	
۰/۱۷۲	۰/۷۵۳	۰/۳۱۲	۲	۰/۳۴۲	بین گروهی
		۰/۵۴۸	۳	۱/۶۴۴	درون گروهی
			۵	۱/۹۸۶	کل

بر اساس جدول (۲)، اختلاف معنی‌داری بین میانگین ورودی‌های مختلف (۸۲، ۸۳ و ۸۴) رشته ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه رازی کرمانشاه مشاهده نمی‌شود. مجذور اتا نیز نشان می‌دهد که تنها ۱۷ درصد تغییرات متغیر وابسته میانگین به وسیله متغیر مستقل ورودی تبیین می‌شود.

نتایج آزمون تعقیبی نیز بیانگر آن است که بین هیچ یک از دو گروه (از سه ورودی ۸۲، ۸۳ و ۸۴) از لحاظ آماری تفاوت معنی‌داری وجود ندارد.

۲. بررسی عوامل مؤثر بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه رازی کرمانشاه

متغیرهای مستقل این تحقیق شامل: جنسیت، خاستگاه سکونت، محل تولد، تعداد ساعات مطالعه، محل نشستن در کلاس درس، وضعیت اقتصادی خانواده، تعداد اعضای خانواده، میزان تحصیلات والدین، انگیزه و علاقه، تلاش و جدیت، هوش، خویشن‌پنداری و عزت نفس، استعداد و توانایی فردی، نحوه گذراندن اوقات فراغت، نگرش فرد نسبت به تحصیل، اراده و اعتماد به نفس، اضطراب امتحان، باور به خودکارآمدی، ملاقات با استاد راهنما (مشاوره)، امیدواری به آینده شغلی، سلامتی جسمی و روحی، امکانات آموزشی، میزان کارایی و اثربخشی استاد، شغل والدین و برنامه‌ریزی تحصیلی است. متغیر وابسته تحقیق را پیشرفت تحصیلی (معدل) تشکیل می‌دهد.

برای بررسی نقش عوامل مؤثر مذکور بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان ترویج، مطالعه‌ای بر روی ۱۰۷ نفر دانشجوی ترویج از ورودی‌های ۸۴ ($n=52$) و ۸۵ (۵۵) صورت گرفت. از این تعداد ۲۴ نفر مرد و ۸۳ نفر زن بودند. اکثر پاسخگویان معدل بین ۱۶ تا ۱۸ داشتند. متوسط تعداد ساعات مطالعه پاسخگویان ۷/۹۵ و دامنه مطالعه بین ۰ تا ۲۰ ساعت برآورد شد. ۳۶/۴۵ درصد از پاسخگویان در جلوی کلاس و ۴۷/۶۶ درصد و ۱۵/۸۹ درصد به ترتیب در وسط و عقب کلاس می‌نشینند. اکثر پاسخگویان غیر بومی (۶۹/۱۶ درصد) و ۷۲/۹۰ درصد از آنان در شهر و مابقی در روستا متولد شده‌اند (۲۷/۱۰ درصد).

به منظور بررسی و تبیین متغیرهای پیش‌گوکننده پیشرفت تحصیلی از تحلیل رگرسیون چندگانه به روش گام به گام استفاده شد (جدول ۳):

جدول (۳) متغیرهای پیش‌گوکننده پیشرفت تحصیلی دانشجویان ترویج دانشکده کشاورزی دانشگاه رازی بر اساس تحلیل رگرسیون گام به گام

مدل	مقدار B	خطای معیار	مقدار بتا	t	سطح معنی داری
(مقدار ثابت)	۳/۲۳۷	۰/۴۵۲		۷/۱۵۶	۰/۰۰۰
محل نشستن در کلاس درس (جلو)	۱/۳۸۶	۰/۱۲۸	۰/۵۵۹	۱۰/۷۹۶	۰/۰۰۰
وضعیت اقتصادی خانواده	-۰/۳۲۲	۰/۰۵۲	-۰/۳۳۷	-۶/۱۴۸	۰/۰۰۰
اضطراب امتحان	-۰/۳۰۳	۰/۰۶۱	-۰/۲۸۹	-۴/۹۳۲	۰/۰۰۰
خاستگاه سکونت (غیر بومی)	-۰/۴۶۲	۰/۱۳۸	-۰/۱۷۹	-۳/۳۴۸	۰/۰۰۱
انگیزه و علاقه	۰/۲۰۳	۰/۰۶۱	۰/۱۷۱	۳/۳۵۰	۰/۰۰۱
پاور به خودکارآمدی	۰/۱۲۶	۰/۰۵۲	۰/۱۵۰	۲/۴۳۵	۰/۰۱۷
تعداد اعضای خانواده	-۰/۲۸۹	۰/۰۶۸	-۰/۲۵۸	-۴/۲۶۷	۰/۰۰۰
ملاقات با استا راهنما (مشاوره)	۰/۲۰۱	۰/۰۵۸	۰/۲۰۰	۳/۴۸۰	۰/۰۰۱
آینده شغلی	۰/۱۶۵	۰/۰۶۹	۰/۱۳۱	۲/۴۰۹	۰/۰۱۸
میزان تحصیلات والدین	۰/۱۱۶	۰/۰۵۷	۰/۱۲۱	۲/۰۴۲	۰/۰۴۴

ضریب همبستگی چندگانه (R) در این تحلیل برابر ۰/۸۸ و ضریب تعیین (R^2) برابر ۰/۷۶ است که نشان می‌دهد متغیرهای محل نشستن در کلاس درس (جلو)،

وضعیت اقتصادی خانواده، اضطراب امتحان، خاستگاه سکونت (غیر بومی)، انگیزه و علاقه، باور به خودکارآمدی، تعداد اعضای خانواده، میزان ملاقات با استاد راهنما (مشاوره)، آینده شغلی و میزان تحصیلات والدین، ۷۶ درصد از تغییرات متغیر پیشرفت تحصیلی (معدل) را تبیین می‌کنند. بر اساس جدول (۳) متغیر محل نشستن در کلاس (جلو) با دارا بودن بیشترین مقدار بتا از اهمیت بیشتری نسبت به متغیرهای دیگر در پیش‌بینی پیشرفت تحصیلی دانشجویان برخوردار است. و کم‌اثرترین متغیر نیز در این بین میزان تحصیلات والدین بوده است.

جدول (۴) ضریب همبستگی چندگانه و ضریب تعیین متغیرهای پیش‌گوی مذکور و متغیر وابسته پیشرفت تحصیلی (معدل) را نشان می‌دهد.

جدول (۴) ضریب همبستگی چندگانه و ضریب تعیین متغیرهایی
پیش‌گو و پیشرفت تحصیلی (معدل)

متغیر پیش‌گو / مستقل	R	R ²	R ² تعدیل شده
محل نشستن در کلاس درس (جلو)	۰/۶۳	۰/۴۰	۰/۳۹
وضعیت اقتصادی خانواده	۰/۷۵	۰/۵۶	۰/۵۶
اضطراب امتحان	۰/۷۸	۰/۶۰	۰/۵۹
خاستگاه سکونت (غیر بومی)	۰/۸۰	۰/۶۴	۰/۶۳
انگیزه و علاقه	۰/۸۲	۰/۶۸	۰/۶۶
باور به خودکارآمدی	۰/۸۴	۰/۷۰	۰/۶۸
تعداد اعضای خانواده	۰/۸۵	۰/۷۲	۰/۷۰
ملاقات با استا راهنما (مشاوره)	۰/۸۶	۰/۷۴	۰/۷۲
آینده شغلی	۰/۸۷	۰/۷۵	۰/۷۳
میزان تحصیلات والدین	۰/۸۸	۰/۷۶	۰/۷۴

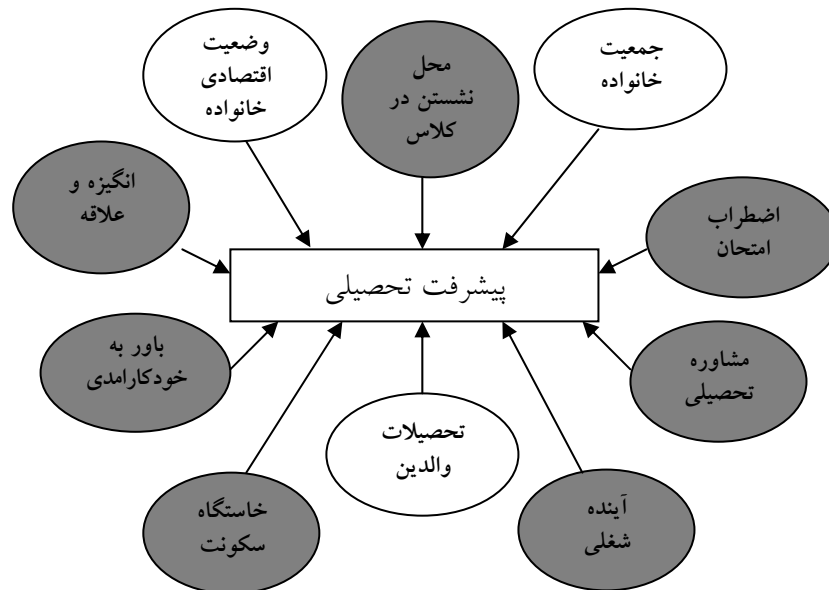
بر اساس جدول (۴) از بین متغیرهای مستقل ذکر شده، محل نشستن در کلاس (جلو) بیشترین سهم را در تبیین واریانس پیشرفت تحصیلی (معدل) دارد (۳۹ درصد). مطابق با کوهن^۱ (۱۹۸۸) این مقدار، دارای اثر زیادی خواهد بود. بنابراین، می‌توان گفت یکی از عوامل اصلی شکل‌دهنده پیشرفت تحصیلی، جلو نشستن در کلاس درس است.

1. Cohen

با توجه به نتایج تحلیل رگرسیون و همبستگی بین هر یک از متغیرهای پیش‌گوکننده محل نشستن در کلاس درس، انگیزه و علاقه، باور به خودکارآمدی، میزان ملاقات با استاد راهنما (مشاوره)، امیدواری به آینده شغلی و میزان تحصیلات والدین، با معدل (به ترتیب شامل: $r=0/69$ ، $r=0/43$ ، $r=0/35$ ، $r=0/44$ ، $r=0/28$ ، $r=0/22$) می‌توان چنین استنباط کرد، دانشجویانی که در جلوی کلاس می‌نشینند، معدل بالاتری دارند تا آنهایی که در وسط یا عقب کلاس می‌نشینند. همچنین، دانشجویانی که انگیزه و علاقه بیشتری دارند یا از روحیه خودکارآمدی بالاتری برخوردارند، نسبت به سایرین معدل بالاتری را کسب می‌کنند. امیدواری به آینده شغلی و میزان تحصیلات والدین نیز پیش‌گوکننده مثبت پیشرفت تحصیلی دانشجویان است. از طرفی، وجود همبستگی منفی بین هر یک از متغیرهای پیش‌گوکننده وضعیت اقتصادی خانواده، اضطراب امتحان، خاستگاه سکونت و تعداد اعضای خانواده، با معدل ($r= -0/48$ ، $r= -0/47$ ، $r= -0/44$ ، $r= -0/46$) نشان‌دهنده این است که دانشجویان با معدل کمتر در خانواده‌هایی با وضعیت اقتصادی بهتر زندگی می‌کنند. و هر چه میزان اضطراب امتحان در دانشجویان بیشتر باشد، منجر به کسب نمرات پایین‌تری خواهد شد و به موزات آن معدل نیز کاهش می‌یابد. نتایج، همچنین گواه بر این واقعیت است که دانشجویان غیر بومی، به بیان دیگر آنهایی که در خوابگاه سکونت دارند، از معدل پایین‌تری نسبت به دانشجویان بومی برخوردارند. از سوی دیگر، بین تعداد اعضای خانواده و پیشرفت تحصیلی رابطه معنادار معکوسی وجود دارد چنانچه هر قدر جمعیت خانواده بیشتر باشد، دانشجویان معدل کمتری را کسب خواهند کرد.

جدا از موارد مؤثر مذکور، سایرمتغیرها شامل: جنسیت، تعداد ساعات مطالعه، محل تولد، تلاش و جدیت، خویشن‌پنداری و عزت نفس، هوش، استعداد و توانایی فردی، نحوه گذراندن اوقات فراغت، نگرش فرد نسبت به تحصیل، اراده و اعتماد به نفس، سلامتی جسمی و روانی، امکانات آموزشی، میزان کارایی و اثربخشی استاد، شغل والدین و برنامه‌ریزی تحصیلی، در تحلیل رگرسیون معنی‌دار نیست؛ بنابراین، از معادله حذف شدند.

در نهایت، کلیه عوامل مؤثر در شکل (۲) خلاصه شده‌اند. در این شکل عواملی که می‌تواند به منظور بهبود بروندهای آموزشی مد نظر برنامه‌ریزان و مدیران دانشگاهی قرار گیرند، برجسته‌تر (پر رنگ تر) ترسیم شده است:



شکل (۲) نمای کلی عوامل مؤثر بر پیشرفت تحصیلی

نتیجه گیری

در تحقیق حاضر، به منظور بررسی روند پیشرفت تحصیلی دانشجویان ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه رازی و عوامل مؤثر بر آن، از شاخص‌های معدل کل و معدل ترم بهره گرفته شد. اگر چه، معدل تنها شاخص برای ارزیابی پیشرفت تحصیلی نیست، اما به نظر می‌آید که گویاترین و روشن‌ترین شاخص باشد؛ به طوری که در اکثر تحقیقات پیشین نیز مورد استفاده قرار گرفته است (زمانی و امیری اردکانی، ۱۳۸۲؛ حجازی و همکاران، ۱۳۸۲؛ حجازی، ۱۳۸۳؛ حجازی و امید نجف آبادی، ۱۳۸۵؛ ولی‌زاده و همکاران، ۱۳۸۶؛ صفدری ده‌چشمه و همکاران، ۱۳۸۶؛ اویس قرن و همکاران، ۲۰۰۱).

در بخش اول تحقیق، مبنی بر بررسی روند پیشرفت تحصیلی دانشجویان ترویج و آموزش کشاورزی، نتایج نشان می‌دهد که این روند به طور کلی، در تمامی دوره‌های روزانه و شبانه ورودی‌های ۸۲، ۸۳ و ۸۴، یک روند افزایشی است. در مقایسه روند پیشرفت تحصیلی بین دوره‌های روزانه و شبانه در هر ورودی، نتایج، بیانگر این است که بین پیشرفت تحصیلی دانشجویان روزانه و شبانه ورودی ۸۲ تفاوت معنی‌داری از لحاظ آماری وجود ندارد؛ در حالی که در سایر ورودی‌ها وجود چنین تفاوتی بین دوره‌های روزانه و شبانه اثبات می‌شود. در واقع، در دو سال اول تحصیل ورودی ۸۲، دانشجویان دوره شبانه تلاش بسیاری در جهت افزایش معدل خود نسبت به

دانشجویان دوره روزانه داشته‌اند. دلیل احتمالی این یافته می‌تواند این باشد که با توجه به سابقه تأسیس دوره شبانه رشته ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه رازی در سال ۱۳۷۴، فاصله زمانی کمتر بین سال ۸۲ تا ۷۴ و بررسی‌های آماری به دست آمده در رابطه با تعداد کم دانشجویان شبانه ورودی ۸۲ نسبت به ورودی‌های بعدی، این باور در بین دانشجویان شکل گرفته که مدرک شبانه دانشگاهی نسبت به مدرک روزانه از اعتبار کمتری برخوردار بوده و منزلت دوره شبانه از دوره روزانه پایین‌تر است؛ بنابراین، این نگرش منفی به عنوان محرکی منجر به افزایش تلاش برای کسب معدل بالاتر توسط دانشجویان شبانه نسبت به دانشجویان روزانه شده، به امید آن که بدین طریق بتوانند خلأ موجود را تا حدودی پر کنند. به تدریج با اصلاح باور موجود در بین دانشجویان و افزایش ظرفیت‌های پذیرش دانشجویان شبانه، تفاوت معنی‌داری بین معدل دوره‌های روزانه و شبانه شکل گرفته است. به گونه‌ای که دانشجویان روزانه پیشرفت تحصیلی بالاتری را نسبت به دانشجویان شبانه کسب کرده‌اند. هر چند که دلیل احتمالی این امر نیز می‌تواند این باشد که دانشجویان شبانه نسبت به دانشجویان روزانه از اضطراب بالاتر و سطح انگیزش پایین‌تری برخوردارند. چرا که به دلیل فشار هزینه شهریه شبانه بر اقتصاد خانواده، معمولاً سطحی از تشنج و نگرانی برای تأمین این هزینه از سوی والدین، در خانواده شکل می‌گیرد که تا حدودی منجر به اضطراب و پریشانی خاطر دانشجویان شبانه می‌شود و با توجه به نقش مؤثر اضطراب به عنوان یک عامل بازدارنده پیشرفت تحصیلی، منتهی به کسب معدل پایین‌تری خواهد شد. همچنین با نگاهی گذرا به رتبه‌های مورد نیاز برای قبولی در دوره روزانه و شبانه دانشگاه‌ها، کسب معدل‌های بالاتر توسط دانشجویان روزانه توجیه منطقی‌تری می‌یابد. بنابر نتایج تحقیق، بین معدل کل ورودی‌های ۸۲، ۸۳ و ۸۴ رشته ترویج و آموزش کشاورزی تفاوت معنی‌داری مشاهده نمی‌شود. توضیح احتمالی این نتیجه این است که عوامل آموزشی از جمله: استادان، محیط آموزشی، روش‌های تدریس، مواد آموزشی، برنامه‌ریزی‌های درسی و غیره در تمامی دوره‌ها تا حدود زیادی ثابت بوده است؛ بنابراین، با حفظ روند گذشته تغییرات بسیار نامحسوسی در معدل کل ورودی‌ها به چشم می‌خورد.

در بخش دوم تحقیق که به منظور شناسایی عوامل مؤثر پیشرفت تحصیلی دانشجویان ترویج و آموزش کشاورزی انجام گرفت، یافته‌های حاصل از رگرسیون نشان داد که بین محل نشستن در کلاس درس با پیشرفت تحصیلی دانشجویان رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. نتایج تحقیقات گوسارد و همکاران (۲۰۰۶)، هاگ و بندیک (۲۰۰۴)، مطابق با نتیجه تحقیق حاضر است. دلیل منطقی این نتیجه این است که عوامل حواس‌پرتی در جلوی کلاس حداقل و در انتها حداکثر است. به طوری که افرادی که در انتهای کلاس می‌نشینند کوچک‌ترین حرکات افراد جلویی را مد نظر

دارند و این دید، زمینه بسیار مساعدی را برای حواس‌پرتی فرد به وجود می‌آورد؛ از این رو، این افراد به‌طور معمول پیشرفت تحصیلی پایین‌تری نسبت به افراد جلویی خواهند داشت.

تحقیق حاضر، بیانگر رابطه عکس بین وضعیت اقتصادی خانواده و پیشرفت تحصیلی است. این نتیجه بر خلاف نتایج تحقیقات خیر (۱۳۷۶)، حجازی و امیدی نجف آبادی (۱۳۸۲)، لواسانی و همکاران (۱۳۸۲)، حجازی (۱۳۸۳)، بیگس (۱۹۹۱) و عابدینی (۱۳۸۶) است. توضیح احتمالی این نتیجه، این است که دانشجویانی که در خانواده‌های کم‌درآمد زندگی می‌کنند، به دلیل مواجهه با محدودیت‌های زیادتر، خلأ بیشتری را در خانواده خود مشاهده می‌کنند و انگیزه بیشتری برای رفع این کمبود با کسب معدل و جایگاه اجتماعی بالاتر و به تبع آن آینده شغلی مطمئن‌تر می‌یابند. اضطراب امتحان یکی دیگر از عوامل مهمی است که در این تحقیق، نقش و اهمیت آن در پیشرفت تحصیلی مورد تأکید قرار گرفت. این نتیجه، با یافته‌های تحقیقاتی دیگر در همین راستا همسویی دارد (البرزی و سیف، ۱۳۸۱؛ بیابانگرد، ۱۳۸۱؛ عابدی و عریضی، ۱۳۸۱؛ ولی‌زاده و همکاران، ۱۳۸۶، پینت ریچ و دی گروت، ۱۹۹۰؛ لطیفیان، ۱۹۹۷). بی‌شک موارد زیادی می‌توانند اضطراب امتحان را در دانشجویان تشدید کنند. تأثیر این عوامل و فشارهای ناشی از آنها، اضطراب امتحان را بیشتر خواهد کرد و هر چه این اضطراب افزایش یابد تمرکز فرد چه در هنگام مطالعه و چه در زمان پاسخگویی به سؤال‌های امتحانی دچار تزلزل می‌شود؛ از این رو، نتیجه قطعی آن، کاهش نمره آزمون و معدل فرد خواهد بود.

نتایج تحقیق همچنین نشان‌دهنده رابطه معنی‌دار بین خاستگاه سکونت و پیشرفت تحصیلی است. در توضیح این یافته می‌توان گفت که شاید یکی از دلایل این امر نزدیکی و ارتباط بیشتر دانشجویان بومی با محیط خانواده و نقش والدین در تحصیلات فرزندان باشد که در موفقیت تحصیلی آنها مؤثر است. نتایج تحقیقات ساعی (۱۳۷۷)، حجازی و همکاران (۱۳۸۲)، لواسانی و درانی (۱۳۸۳) و زند (۱۳۸۵) نیز با نتایج این تحقیق همخوانی دارد. از طرفی، این نتیجه بر خلاف یافته تحقیق حجازی و امیدی نجف آبادی (۱۳۸۵) مبنی بر عدم وجود تفاوت معنی‌دار بین معدل دانشجویان خوابگاهی و غیر خوابگاهی است.

با توجه به نقش انگیزه و علاقه در پیشرفت تحصیلی دانشجویان، که مطالعات زیادی در خصوص آن صورت گرفته و همگی از جمله تحقیق حاضر آن را در پیشرفت تحصیلی مورد تأکید قرار داده‌اند (البرزی و سیف، ۱۳۸۱؛ عابدی و عریضی، ۱۳۸۱؛ حسن‌زاده، ۱۳۸۱؛ بیابانگرد، ۱۳۸۱؛ لواسانی و همکاران، ۱۳۸۲؛ پاشاشریفی، ۱۳۸۵؛ ولی‌زاده و همکاران، ۱۳۸۶؛ مک کامبز و مرزانو، ۱۹۹۰؛ لطیفیان، ۱۹۹۷؛ رینتا، ۱۹۹۹)، می‌توان چنین استنباط کرد یکی از چالش‌های مهم مدارس در قرن بیست و

یکم آن است که دانش‌آموزان را در جهت پیشرفت تحصیلی بیشتر و کسب مهارت‌های روزآمد برانگیزند (پاشاشریفی، ۱۳۸۵). مسلماً بی‌انگیزگی و بی‌علاقگی به یادگیری نه تنها افت تحصیلی را در سطوح مختلف افزایش می‌دهد، بلکه سازگاری و سلامت روانی دانشجویان و خانواده‌های آنان را نیز تهدید می‌کند و پیامدهای اجتماعی و اخلاقی مخربی در پی دارد. در نتیجه قابلیت‌های بالقوه دانشجویان را از رشد و شکوفایی باز می‌دارد (همان).

یکی دیگر از عوامل مؤثر در پیشرفت تحصیلی که در این تحقیق نیز معنی‌داری آن به اثبات رسید، باور به خودکارآمدی در دانشجویان است. افراد با خودکارآمدی پایین شاید باور کنند که وضع حل ناشدنی است و این باوری است که تیندگی، افسردگی و دیدی باریک‌بینانه را برای گره‌گشایی پرورش می‌دهد (رجبی، ۱۳۸۵). از سوی دیگر، شواهدی وجود دارد که اذعان می‌دارد، بالا رفتن سطح خودکارآمدی باعث افزایش انگیزش تحصیلی خواهد شد (گلاور و برونتینگ، ۱۳۸۳). در این زمینه، بندورا (۱۹۷۷) نیز بیان کرده است که افراد با باورهای خودکارآمدی بالا، در انجام تکالیف درسی بیشتر شرکت و سخت‌تر کار می‌کنند و در زمان برخورد با مشکلات، زمان بیشتری مقاومت نشان می‌دهند. بنابراین، نتیجه مسلم باور به خودکارآمدی بیشتر در فرد، سطح اطمینان بالاتر از توانایی‌های خود، سطح اضطراب و افسردگی پایین‌تر و تبع آنها پیشرفت تحصیلی بیشتری خواهد بود. در تحقیقات دیگر نیز وجود این رابطه مورد تأکید قرار گرفته است (محسن پور و همکاران، ۱۳۸۶، پاجارس و گراهام، ۱۹۹۹، گرین و همکاران، ۲۰۰۴).

عامل مؤثر دیگر در پیشرفت تحصیلی جمعیت خانواده است که نتیجه تحقیق حاضر بیانگر رابطه عکس بین جمعیت خانواده و پیشرفت تحصیلی است. توضیح احتمالی این امر می‌تواند این باشد در خانواده‌های کم جمعیت با فراهم کردن امکانات بیشتر و فضای بازتر پیشرفت تحصیلی فرزندان را تسهیل می‌کنند. این یافته، نتایج پژوهش‌های خیر (۱۳۷۶)، حجازی و امیدی نجف آبادی (۱۳۸۲) و لواسانی و همکاران (۱۳۸۲) را نیز تأیید می‌کند.

علاوه بر موارد مذکور، تأثیر مشاوره در پیشرفت تحصیلی دانشجویان در اکثر پژوهش‌ها مورد تأکید قرار گرفته است (زمانی و امیری اردکانی، ۱۳۸۲؛ فاضلی، ۱۳۸۳؛ کنت و راجرز، ۲۰۰۲). یافته‌های این تحقیق نیز مؤید همین مطلب است. در حال حاضر، بسیاری از محققان و صاحب‌نظران بر این باورند که مشاوره‌های دانشجویی می‌توانند خدمات ارزشمندی به دانشجویان ارائه کنند. کمک به کسب و افزایش خودپنداری مثبت، حل مسائل شغلی، بهبود روابط متقابل در خانواده و کسب یا افزایش مهارت‌های اجتماعی از مهم‌ترین این خدمات به شمار می‌آیند. پیشرفت در این زمینه‌ها موجب کاهش و حل مسائل مربوط به دوران تحصیل و در نهایت، باعث

پیشرفت تحصیلی وی می‌شود (فاضلی، ۱۳۸۳). بنابراین، موضوع اخیر، اهمیت ملاقات‌های دانشجو با استاد راهنما و راهنمایی‌های تحصیلی توسط استادان راهنما در نقش مشاور را مورد تأکید قرار می‌دهد؛ به نحوی که مطالعات دیگری نیز که از طریق نظرسنجی از سوی برخی از محققان ایرانی (یعقوبی، ۱۳۷۶؛ مولوی، ۱۳۷۷؛ رضازاده و یگانه، ۱۳۷۸) به منظور سنجش سلامت روانی دانشجویان و نیاز آنان به مشاوره در برخی از دانشگاه‌ها انجام گرفته، مؤید همین مطلب است.

بر اساس یافته‌های این تحقیق، امیدواری به آینده شغلی نیز یکی دیگر از عوامل مؤثر در پیشرفت تحصیلی است. وجود رابطه مستقیم بین امید به آینده شغلی و تلاش و جدیت بر کسی پوشیده نیست. مطمئناً هر قدر امید به آینده شغلی بیشتر باشد تلاش در جهت فراهم آوری شرایط تضمین آینده شغلی و رسیدن به این هدف غایی بیشتر خواهد بود. چرا که دانشجویان احساس می‌کنند تنها روزنه موفقیت را بتوان در این راه جست و جو کرد؛ بنابراین، به موازات آن پیشرفت تحصیلی نیز افزایش خواهد یافت.

میزان تحصیلات والدین نیز بر پیشرفت تحصیلی تأثیر می‌گذارد که نتیجه تحقیق حاضر مؤید این مطلب است. این امر را می‌توان بدین طریق استدلال کرد که والدین تحصیل کرده مشوق و الگوهای تأثیرگذاری برای فرزندان خود هستند. به نحوی که خانواده‌هایی که طبقه‌های اجتماعی بالاتری دارند، نگرش مطلوب‌تری نسبت به تحصیل فرزندان خود داشته و در نتیجه آنها را برای پیشرفت تحصیلی بالاتر تشویق خواهند کرد. این یافته، نتایج پژوهش حجازی (۱۳۸۳) را تأیید می‌کند. اما برخلاف نتایج پژوهش حجازی و امیدی نجف آبادی (۱۳۸۵) است.

مطابق با یافته‌های مذکور در تحقیق حاضر، پیشنهادی ذیل ارائه می‌شود: از آنجایی که بین محل نشستن در کلاس و پیشرفت تحصیلی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود داشت، توصیه می‌شود که تا آنجا که امکان دارد کلاس‌ها، به خصوص کلاس‌های کم جمعیت، به صورت کنفرانسی چیدمان شوند که از آن طریق، میدان دید همه کسان شده، عوامل حواس‌پرتی کاهش و تعامل بین استاد و دانشجو افزایش یابد؛

۱. بر حسب پیشرفت تحصیلی بیشتر در بین دانشجویان بومی نسبت به غیر بومی پیشنهاد می‌شود که سیاست‌های افزایش جذب و پذیرش دانشجویان بومی در دانشگاه‌ها با دقت خاصی دنبال شود که به موجب آن شرایط بهینه‌تری جهت پیشرفت تحصیلی دانشجویان و موفقیت شغلی دانش‌آموختگان به وجود آید؛
۲. با توجه به نقش مؤثر مشاوره دانشجویی در تسهیل بهبود روابط متقابل با اعضای خانواده، حل مشکلات روحی و تحصیلی، کسب یا افزایش مهارت‌های اجتماعی، خودپنداری مثبت و اعتماد به نفس، امیدواری به آینده شغلی و شغل‌یابی،

کاهش اضطراب و در نهایت پیشرفت تحصیلی دانشجویان توصیه می‌شود که روابط استادان با دانشجویان از راه‌های مختلف گسترش یابد. همچنین استادان تلاش کنند تا محیط کلاس را برای دانشجویان صمیمی‌تر ساخته و با ایجاد فرصت‌های بیشتر به منظور ملاقات دانشجویان در دفتر کار خود، موجبات برقراری ارتباط دوستانه‌تر با دانشجویان و راهنمایی‌های تحصیلی بیشتری را برای آنان فراهم سازند؛

۳. به دلیل رابطه مثبت و معنی‌دار بین انگیزه و علاقه و پیشرفت تحصیلی توصیه می‌شود که از روش‌های تدریس و یادگیری متنوع و جذاب که در آن توان انجام کارهای عملی و میدانی، توانایی حل مسئله برای همراه شدن با تحولات سریع عصر حاضر و توان تجربه کار در شرایط واقعی مهیا می‌شود، به جای روش‌های قدیمی استفاده شود. به گونه‌ای که زمینه انگیزه و علاقه بیشتر برای پیشرفت تحصیلی و موفقیت شغلی در دانشجویان به وجود آید. در این راستا، می‌توان از الگوی یادگیری تجربی در دانشگاه‌ها بهره گرفت؛ بنابراین، پیشنهاد می‌شود که سیاست‌ها، خطی‌مشی‌ها و راهکارهای عملی‌سازی یادگیری تجربی در دانشگاه‌ها، به دلیل افزایش انگیزه و علاقه در دانشجویان، اتخاذ شود. همچنین، دوره‌های آموزشی کافی و مناسب برای اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها برای بهره‌گیری بیشتر از روش‌های تدریس و یادگیری نوین، متنوع و مؤثر مانند تدریس و یادگیری تجربی فراهم شود.

منابع

- ادهمی و همکاران (۱۳۸۱). ارتباط امکانات آموزشی و نیروی انسانی بخش‌های علوم پایه با پیشرفت تحصیلی دانشجویان پزشکی کرمان، مجله دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی - درمانی قزوین، شماره ۲۲، تابستان، صص ۶۳-۵۶.
- البرزی، شهلا و سیف، دیبا (۱۳۸۱). بررسی رابطه باورهای انگیزشی، راهبردهای یادگیری و برخی از عوامل جمعیتی با پیشرفت تحصیلی گروهی از دانشجویان علوم انسانی در درس آمار، مجله علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه شیراز، دوره نوزدهم، شماره اول، (پیاپی ۳۷)، زمستان، صص ۸۲-۷۳.
- بیابانگرد، اسماعیل (۱۳۸۴). رابطه میان عزت نفس، انگیزه پیشرفت و پیشرفت تحصیلی در دانش‌آموزان سال سوم دبیرستان‌های تهران، (www.sid.ir).
- پاشا شریفی، حسن (۱۳۸۵). سنجش انگیزه درونی و بیرونی پیشرفت و نگرش دانش‌آموزان مقاطع مختلف تحصیلی، نسبت به مسائل آموزشی و سهم این متغیرها در تبیین پیشرفت تحصیلی آنان، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، شماره ۱۸، سال پنجم، زمستان، صص ۲۰۲-۱۷۱.
- حجازی، یوسف (۱۳۸۳). نقش عوامل اقتصادی- اجتماعی در موفقیت تحصیلی و عملکرد شغلی دانشجویان کشاورزی دانشگاه تهران، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۲۳، خرداد، صص ۴۲-۳۷.
- حجازی، یوسف و امیدی نجف‌آبادی، مریم (۱۳۸۵). عوامل مؤثر بر موفقیت تحصیلی دانشجویان کشاورزی، مجله علوم کشاورزی ایران، جلد ۳۷، شماره ۱، صص ۲۵-۱۹.
- حجازی، یوسف و همکاران (۱۳۸۲). بررسی وضعیت تحصیلی دانشجویان کشاورزی دانشگاه تهران و نقش ضوابط گزینش در موفقیت آنها، مجله علوم کشاورزی ایران، جلد ۳۴، شماره ۳، صص ۵۶۹-۵۵۹.
- حسن زاده، رمضان (۱۳۸۱). رابطه بین انگیزش، منبع کنترل و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان، (www.sid.ir).
- حیدری، عباس و محسن کوشان (۱۳۸۱). بررسی منبع کنترل و ارتباط آن با پیشرفت تحصیلی در دانشجویان پرستاری، اسرار، مجله دانشکده علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی سبزوار، سال نهم، شماره ۳، پاییز.
- خیر، محمد (۱۳۷۶). بررسی رابطه برخی از شاخص‌های طبقه اجتماعی با پیشرفت تحصیلی در گروهی از دانش‌آموزان سال اول دبیرستان نظام جدید، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره دوازدهم، شماره دوم، بهار.
- رجبی، غلامرضا (۱۳۸۵). بررسی پایایی و روایی مقیاس باورهای خودکارآمدی عمومی (GSE-10) در دانشجویان روان‌شناسی دانشکده علوم تربیتی و

- روان‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز و دانشگاه آزاد مرودشت. اندیشه‌های نوین تربیتی، دوره دوم، شماره ۱ و ۲، بهار و تابستان، صص ۱۱۱-۱۲۲.
- رحمانی، جهانبخش (۱۳۸۶). بررسی رابطه بین نگرش دانش‌آموزان به ریاضیات با میزان موفقیت تحصیلی آنان در درس ریاضی دوره راهنمایی در شهر اصفهان، مجله دانش و پژوهش (www.sid.ir).
- رضازاده، سید محمودرضا و صدیقه‌گانه (۱۳۷۸). بررسی وضعیت تحصیلی، خانوادگی و سلامت روانی دانشجویان کارشناسی ورودی ۱۳۷۶ دانشگاه صنعتی خواجه نصیر طوسی، معاونت دانشجویی و فرهنگی، دفتر مشاوره دانشجویی.
- زمانی، غلام‌حسین و امیری اردکانی، محمد (۱۳۸۲). موفقیت تحصیلی از دید فرهیختگان کشاورزی. مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره بیستم، شماره اول (پیاپی ۳۹)، تابستان، صص ۹۴-۱۰۹.
- زند، آزیتا (۸۶-۱۳۸۵). بررسی عوامل مؤثر بر موفقیت تحصیلی دانشجویان کارشناسی ارشد رشته کشاورزی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران.
- ساعی، رحیم (۱۳۷۷). بررسی عوامل مؤثر در پیشرفت تحصیلی دانشجویان دانشکده کشاورزی و ارائه رهیافت مناسب آموزشی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.
- سلیمان نژاد، اکبر و شهرآزای، مهرناز (۱۳۸۰). ارتباط منبع کنترل و خودتنظیمی با پیشرفت تحصیلی، مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی، سال ۳۱، شماره ۲، صص ۱۷۵-۱۹۸.
- صفدری ده چشمه، فرانک و همکاران (۱۳۸۶). عوامل مؤثر در پیشرفت تحصیلی دانشجویان از نظر دانشجویان و اساتید دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد در سال ۱۳۸۳: مجله دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، دوره نهم، شماره ۳، پاییز، صص ۷۱-۷۷.
- عابدی، احمد و عریضی، حمیدرضا (۱۳۸۱). بررسی رابطه انگیزش پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دختر و پسر دوره متوسطه شهر اصفهان با ویژگی‌های خانوادگی و شخصیتی آنان. آموزه، شماره ۱۳، بهار.
- عابدینی، یاسمین (۱۳۸۶). موفقیت تحصیلی دختران: مطالعه عوامل غیر شناختی، (www.sid.ir).
- فاضلی، عصمت (۱۳۸۳). تأثیر مشاوره در پیشرفت تحصیلی دانشجویان، (www.sid.ir).

- فرج اللهی، مهران و فیروزفر، ایرج (۱۳۸۶). مقایسه پیشرفت تحصیلی پذیرفته‌شدگان دوره های کارشناسی ارشد فراگیر با پذیرفته‌شدگان همان مقطع از طریق آزمون سراسری دانشگاه پیام نور، (www.sid.ir).
- گلاور، جی.ای. و آ.اچ. برونینگ (۱۳۸۳). روان‌شناسی تربیتی. ترجمه علی نقی فرازی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، چاپ پنجم، ص ۱۳.
- لواسانی و همکاران (۱۳۸۶). رابطه فعالیت تحصیلی، انگیزه پیشرفت، هوش هیجانی و متغیرهای بافتی با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان، (www.sid.ir).
- لواسانی، غلامعلی و درانی، کمال (۱۳۸۳). رابطه ویژگی‌های فردی و خانوادگی با پیشرفت تحصیلی دانشجویان روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران، مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی، سال ۳۴، شماره ۲، صص ۲۱-۱.
- محسن‌پور، مریم و همکاران (۱۳۸۶). نقش خود کارآمدی، اهداف پیشرفت، راهبردهای یادگیری و پایداری در پیشرفت تحصیلی در درس ریاضی دانش‌آموزان سال سوم متوسطه در رشته ریاضی شهر تهران، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، شماره ۶۰، سال پنجم، تابستان، صص ۳۵-۹.
- معین‌پور، حمید (۱۳۸۲). بررسی رابطه شاخص تراکم دانش‌آموزان در کلاس با پیشرفت تحصیلی. آموزه، پیش شماره هشتم، ص ۳۲.
- منیری، رضوان و همکاران (۱۳۸۵). علل عدم موفقیت تحصیلی در دانشجویان رشته پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی کاشان. مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی، شماره ۶، بهار و تابستان.
- مولوی، حسین (۱۳۷۷). بررسی اعتبار پرسشنامه ارزیابی خود در رابطه با گرایش به روان‌پریشی در پرسشنامه شخصیتی آیزنک. فصلنامه اندیشه و رفتار سال سوم، شماره ۴، صص ۸۶-۸۲.
- ولی زاده، لیلا و همکاران (۱۳۸۶). ارتباط ویژگی‌های یادگیری با پیشرفت تحصیلی دانشجویان پرستاری و مامایی. مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی، پاییز و زمستان، ۷(۲).
- یعقوبی، حمید (۱۳۷۶). بررسی وضعیت سلامت روانی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی گیلان (۱۳۷۵-۷۶). گزارش طرح پژوهشی معاونت امور فرهنگی و دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی گیلان.

- Bandura, A. (1977). Self-efficacy: Toward a unifying theory of behavioral change. *Psychological Review*, 84 (2): 191-215.
- Benedict, M.E., & Hoag, J. (2004). Seating location in large lectures: Are seating preference or location related to course performance. *Journal of Economic Education*, 35(3):215-231.

- Biggs, G.S.J, & Najman, J.M, & Sehuiz, E.B. (1991). Parental problems influencing the academic achievement of medical students. *Med Educ*, 25:374-382.
- Cohen, J. (1988). *Statistical power and analysis for the behavioral sciences (2nd ed.)*. Hillsdale, NJ: Lawrence Erlbaum Associates.
- Gossard, M.H., & Jessup, E., & Casavant, K. (2006). Anatomy of a classroom: An exploratory analysis academic performance, *NAKTA Journal*, 50(2):36-39.
- Green, B.A., & Miller, A.B. (1996). Influences a course performance: Goals, perceived ability, and self-regulation. *Contemporary Educational Psychology*, 21:187-192.
- Kenneth, M. Call & Rogers, A. Stewart (2002). "Collaboration between counseling services and academic program: An exploratory study of student outcome". *Journal of College Counseling*, 5(2):135-142.
- Latifian, M. (1997). *The relationship between motivation self-regulated learning strategies and student achievement across the curriculum*, Doctoral dissertation, Macqueie University.
- MC., Combs, B.L, & Marzono, R.J. (1990). Putting the self in self-regulated learning: The self as agent in integrating will and skill. *Educational Psychologist*, 25:51-69.
- Oveisgharan, SH., & Ghasemi, M, & Changiz, T. (2001). Academic achievement of talented students at Isfahan University of medical sciences, *Iranian Journal of Medical Education*, 1(2):10-12.
- Pajares, F., & Graham, L. (1999). Self-efficacy, motivation constructs, mathematics performance of entering middle school students. *Contemporary Educational Psychology*, 24:124-139.
- Pintrich, P.R., & De Groot, E.V. (1990). Motivational and self-regulated learning components of classroom performance. *Journal of Educational Psychology*, 2:23-40.
- Rebeta, A. (1999). A study of relationship among achievement motivation, self-concept and academic achievement. *Psychology Science China*, 18-21.
- UNESCO (1992). Research in basic education and literacy. Bangkok, UNESCO, Regional Hice for education in Asia and the Pacific. P. 99-104.